سلسلة "نور و نار 1"

مردم پیـــــرو قریــش اند..

"رساله ای در دفاع از خلافت اسلامی"

به قلم:

إمام أسیر، محدث نحریر، فقیه مجاهد، شهید بإذن الله؛

فقیه و علامة؛

أبی عبدالله حمد بن عبدالله الحمیدی

تقبله الله فی الشهداء

ترجمه:

علی أنصاری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله ذی الجلال و الصلاة و السلام علی محمد النبی الضحوک القتّال و علی أصحابه الکرام و الآل، أما بعد

امروز 22 ربیع الأول 1437 از هجرت رسول الله صلی الله علیه و سلم به مدینه، مردی از مردان اسلام، شیری از شیران راه توحید و جهاد، به سوی پروردگارش شتافت..

امام حمد الحمیدی شهید شد..

بعد از یازده سال اسارت در سلول های انفرادی زندان آل سلول – أخزاهم الله –، همراه با چهل و سه نفر از برادرانش از علماء و صالحین اعدام شدند و با خون پاک خود صفحه ای از صفحات تاریخ را رقم زده و بار دیگر به تمام دنیا نشان دادند که در این راه و منهج از هیچ کسی هراسی ندارند..تقبلهم الله فی العلیین

در وسع من رثای این بزرگان نیست، مگر اینکه این آیات الله را یاد آور شوم: **{مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (23) لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (24) وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (25) وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي**

قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (26) وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (27)}؛ در ميان مؤمنان مرداني هستند كه با خدا راست بوده اند در پيماني كه با او بسته اند . برخي پيمان خود را بسر برده اند (و شربت شهادت سركشيده اند) و برخي نيز در انتظارند (تا كي توفيق رفيق مي گردد و جان را به جان آفرين تسليم خواهند كرد). آنان هيچ گونه تغيير و تبديلي در عهد و پيمان خود نداده اند (و كمترين انحراف و تزلزلي در كار خود پيدا نكرده اند) - هدف اين است كه خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش بدهد، و منافقان را هر گاه بخواهد عذاب كند، و يا (اگر توبه كنند) ببخشد و توبه ايشان را بپذيرد. چرا كه خداوند آمرزگار و مهربان است - خداوند كافران را با دلي لبريز از خشم و غم بازگرداند، در حالي كه به هيچ يك از نتائجي كه در نظر داشتند نرسيده بودند. خداوند (در اين ميدان) مؤمنان را (با طوفان باد و ارسال فرشتگان) از جنگ بي نياز ساخت، و خداوند نيرومند و چيره است - خداوند كساني از اهل كتاب را كه احزاب را پشتيباني كرده بودند از دژهايشان پائين كشيد، و به دلهايشان ترس و هراس انداخت (و كارشان به جائي رسيد كه) گروهي را كشتيد و گروهي را اسير كرديد - و زمينها و خانه هايشان و دارائي آنان، و همچنين زميني را كه هرگز بدان گام ننهاده بوديد ، به چنگ شما انداخت. بي گمان خداوند بر هر چيزي توانا است. {**الأحزاب /23-27**}

عليك سلام الله وقفاً فإنني ... رأيت الكريم الحر ليس له عمر

جنگ امروز، جنگ احزاب است، پس قطعا نتیجه اش همان نتیجه جنگ احزاب اول خواهد بود و بیشتر.. اعدام این علماء، زوال آل سلول را مقدّم نمود و کلام و نهج و راه این علماء را زنده ساخته و مجاهدان را به خون آل سلول و أنصارش تشنه تر کرد.. عهد و نذری باشد بر گردن ما؛ انتقام این شیوخ و صالحین از آل سلول و مرتدین، به هر شکلی که بتوانیم.. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

ربيع الأول 1437

بسم الله الرحمن الرحیم

إن الحمد لله نحمده و نستعینه، من یهده الله فلا مضل له و من یضلل فلا هادی له و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله جاءنا بالبینات و الهدی صلی الله علیه و علی آله و صحبه و سلم تسلیما کثیرا؛ اما بعد؛

الله متعال بنده های مؤمنش را به وحدت و اجتماع دستور داده است و از تفرقه نهی نموده و فرموده است : {**وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**}؛ همگی به ریسمان إلهی چنگ زده و متفرق نشوید. {آل عمران/103}

و خبر داده است که؛ تفرقه سبب عذاب و رنج است، برای همین فرموده است: {**وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ**}؛ و همانند کسانی که بعد از آمدن دلایل روشن، متفرّق شده و اختلاف نمودند نباشید، برای آنان عذابی بزرگ در انتظار است. {آل عمران/105}

و فرموده است که؛ تفرقه سبب شکست و از بین رفتن هیبت و قدرت است، پس می فرماید: {**وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ**}؛ و اختلاف و نزاع نکنید، چراکه شکست خورده و قدرتتان از بین

می رود! و صبر پیشه کنید، قطعا الله همراه به صبر پیشه کنندگان است. {الأنفال/46}

و از حارث أشعری رضی الله عنه روایت شده است که؛ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: {**وَأَنَا آمُرُكُمْ بِخَمْسٍ اللَّهُ أَمَرَنِي بِهِنَّ، السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ وَالجِهَادُ وَالهِجْرَةُ وَالجَمَاعَةُ، فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ الجَمَاعَةَ قِيدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ إِلَّا أَنْ يَرْجِعَ، وَمَنْ ادَّعَى دَعْوَى الجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مِنْ جُثَا جَهَنَّمَ» ، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ صَلَّى وَصَامَ؟ قَالَ: «وَإِنْ صَلَّى وَصَامَ، فَادْعُوا بِدَعْوَى اللَّهِ الَّذِي سَمَّاكُمُ المُسْلِمِينَ المُؤْمِنِينَ، عِبَادَ اللَّهِ**}؛ و من شما را به پنج چیز دستور می دهم! که الله به من أمر نموده است، شنیدن و إطاعت نمودن و جهاد و هجرت و جماعت، چراکه؛ هر کس اگر به اندازه یک وجب از جماعت به دور باشد، عهد اسلام را از گردن خود انداخته است تا اینکه برگردد! و هرکسی که به سوی دعوای جاهلی دعوت کند، از به زانوکشیدگان جهنم خواهد بود. مردی گفت: ای رسول الله! حتی اگر نماز و روزه هم به پا دارد؟ فرمودند: حتی اگر نماز و روزه به پای دارد، پس ای بندگان الله! به دعوا و آیین الله که نام شما را مسلمان و مؤمن نهاده است، دعوت کنید. {روایت أحمد و ترمذی، و آن را صحیح دانسته است}

بنگریم! به عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که در خطبه اش دستور به جماعت بودن کرده و می گفت: "ای مردم! بر شما واجب است که در طاعت و جماعت باشید، چراکه این همان ریسمان محکم إلهی است! آنچه که شما در جمع نمی

پسندید خیلی بهتر از آن چیزی است که در حالت تفرقه و دوری می پسندید!"
{روایت إبن جریر و آجری و لالکائی}

و این همان اعتقاد تمامی اهل سنت و جماعت است که إمام أبوحاتم و إمام أبوزرعة نقلش نموده و گفته اند: **"واجب است؛ از سنت و جماعت پیروی نموده و از تفرّق و خلاف و جدایی اجتناب نماییم"**.

امام آجری در کتاب "الشریعة" می فرماید: " الله متعال در کتاب خود به خاطر منّت و فضل خود به ما خبر داده که؛ أهل کتاب – یهود و نصاری – هنگامی که در دینشان اختلاف نمودند، هلاک شدند، و الله متعال به ما خبر داده است که؛ علت میل اینان به تفرقه و باطل، بغی و حسد بوده است! تا جاییکه دسته های متعددی شده و هلاک گشتند! برای همین الله متعال ما را بر حذر نموده است از اینکه مانند آنان باشیم تا همانند آنان هلاک نگردیم! بلکه الله متعال ما را فرمان داده است به؛ لزوم و پایبندی به جماعت و مارا از تفرقه نهی نموده است! و همینطور رسول الله صلی الله علیه و سلماز تفرقه نهی نموده و جماعت بودن امر نموده است! و همچنین علماء و ائمه مسلمین نیز همگی به جماعت بودن دستور داده و از تفرقه نهی نموده اند".

لا اله الا الله! امشب چقدر مثل دیشب است! وقتی که دشمنان الله و کافران و برادران مرتدّشان دیدند که؛ این دولت مبارک به چه اموری قیام نموده است، وقتی که دیدند؛ دولت اسلامی برای برپایی أمر الله قیام نموده است، برای

جنگ با آن تحالف کرده و هم پیمان شده، و تمامی توان و نیرو و تجهیزات خود را به سبب صدور فتاوای علماء سوء و درباری که مردم را از حق مانع شده و منحرف می کنند، به کار گرفتند.

الله متعال می فرماید: {**قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ**}؛ بگو؛ ای اهل کتاب! به خاطر چه چیزی شما صدّ و مانع از راه الله برای کسی که ایمان می آورد می شوید و سعی در منحرف نمودن آن دارید؟ در حالیکه خود نیز شاهد هستید و حقیقت را می دانید! و قطعا الله بر کردار شما غافل نیست! {آل عمران/99}

علماء سوء همان گمراهانِ گمراه کننده اند، که رسول الله صلی الله علیه و سلم در موردشان فرموده است: **{إنما أخاف على أمتي الأئمة المضلّون}**؛ برای أمتم از شرِّ علمای گمراه کننده می ترسم. {روایت أحمد و ترمذی و ابوداوود و ابن ماجه}

و در موردشان فرموده است: **{إن أكثر منافقي أمتي قراؤها}**؛ قطعا أکثر منافقان امت من از قاریان قران می باشند. {روایت احمد و غیره با سند صحیح از عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما}

عبدالله بن مبارک رحمه الله راست گفته:

و هل أفسد الدين إلا الملوك

و أحبار ســــوء و رهبانهــــا[1]

اینان فتاوای گمراه کننده صادر می کنند، فقط برای این که کسی بر روی زمین به توحیدی که الله دوستش دارد و از آن راضی است پایبند نباشد! أما؛ الله نور خود را منتشر نموده و سربازانش را یاری کرده و دوستان خود را عزت خواهد بخشید. الله متعال می فرماید: {**يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (32) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ**}؛ می خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند! اما الله می خواهد که نورش را گسترش دهد هرچند که کافران نخواهند – اوست که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاده و بر هر دین دیگری برتری و پیروزی بخشیده است، هرچند که مشرکان نخواهند! {التوبة/32و33}، امروز به گونه ای شده است که؛ هر مسلمانی به پیروزی و نصرت این دولت خوشحالی کرده و افتخار می کند.

شدیدترین چیزی که امروز قلوب موحدان را به درد می آورد، این است که، چگونه کفار باهر رنگ و آیینی علیه دولت اسلامی جمع شده اند! دولتی که برای تطبیق شریعت الله برپا شده است، ولی با این همه می بینیم؛ مسلمانان زیر پرچم خلافت اسلامی جمع نمی شوند! ولی اگر از هریک از ایشان بپرسی که؛ برای چه می

[1]. آیا کسی جز پادشاهان و حاکمان، و علمای سوء و راهبان گمراه، دین را به فساد کشانده است؟

جنگی؟ به سوی چه چیزی دعوت می دهی؟ فورا جواب می دهد؛ برای تطبیق شریعت الله در زمین!

ای برادرم! بدان که ؛ دولت اسلامی برپا شده است و جهاد می کند تا تمام دین فقط برای الله بوده و کلمه ی الله نیز سرفراز و بلند باشد، و کلمه ی کفار نیز پست و خوار گردد! این مسأله در دولت اسلامی واضح است! می بینیم که؛ بت ها را نابود ساخته و صلیب را می شکنند، و قبرها را با زمین یکی کرده و شریعت را برای هر کسی – چه شریف و چه ضعیف – اجرا می کنند – بدون هیچ فرقی! و بدون هیچ ترسی!

پس کسی که گمان می کند در راه الله جهاد می کند و دعوت می دهد تا دین برای الله باشد، چه عذری در مقابل الله دارد؟ آن هنگام که از او سئوال شود؛ چرا دولت اسلامی را نصرت ندادی؟ چرا به کاروان خلافت اسلامی نپیوستی؟ خلافتی که الله آن را با منت خود برپا ساخت و فرماندهی اش را نصیب أبوبکر بغدادی نمود! خلافتی که موافق نصوص قرآن و سنت می باشد!

أصل در این مسأله، این آیه است؛ {**إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً**}؛ من خلیفه ای در زمین قرار می دهم. {البقرة/30}، قرطبی رحمة الله علیه می فرماید: "این آیه أصل و قاعده است در نصب خلیفه برای مسلمانان" {الجامع لأحكام القرآن}

سپس الله امر این خلافت را آسان نموده و حال آن را شبیه به حال خلافت راشدة أبوبکر رضی الله عنه ساخت، که در سقیفة با او بیعت شد درحالیکه تعداد کمی

از مهاجرین و انصار در آن حضور داشتند، همه ی مهاجرین و انصار حضور نداشتند، هنگامی که خلافت ابوبکر رضی الله عنه برپا شد، فعلش در بنای خلافت برای بعد او نیز سنت شد! هرکسی تأمل کند و بیاندیشد این تساوی و تطابق را بین این خلافت و خلافت ابوبکر رضی الله عنه درک خواهد کرد.

و همینطور بعد از شهادت عثمان رضی الله عنه، با علی بیعت شد با این همه که اهل شام مخالف بودند،و سپس با حسن رضی الله عنه بیعت شد در حالیکه باز اهل شام مخالف بود، با این همه کسی از مسلمانان بر صحت خلافت علی و حسن اعتراض وارد نمی کند، آنان برای ما الگوی نیکی هستند.

برای شما حدیث عرباض بن سارية رضی الله عنه را یادآوری می کنم؛ **{فعليكم بسنتي و سنة الخلفاء الراشدين المهديين من بعدى عضوا عليها بالنواجذ و إياكم و محدثات الأمور فإن كل بدعة ضلالة}**؛ برشماست که از سنت من و سنت خلفاء راشد و هدایتگر بعد از من تبعیت نمایید، محکم به آن چنگ بزنید، و از کارهای نوپدید بترسید چراکه هر بدعتی گمراهی است. {روايت أحمد و أبوداود و ترمذی و ابن ماجة}

سپس می بینید که مجاهدان در جبهات مختلف چند دسته شده اند؛ دسته ای امر الله را بر امر دیگری مقدم نموده و با خلافت بیعت کرده و همراه با جنود دولت اسلامی جهاد می کنند، دسته ای نیز به سبب چند مقاله ای برایشان شبهاتی پیش آمده و در ضعف و حیرت باقی مانده اند، و یا کسی که به خاطر ضعفش

از جهاد دست کشیده و یا کسی که تماما از منهج مستقیم منحرف شده و با دشمنان الله موالات می کند!

با "**تدبر و اندیشیدن در نصوص شرعی**" و "**تجرد برای الله**" و "**دوری از هوی و تعصب**" و "**مقدم داشتن امر الله بر نظریه های دیگران**"، صحیح بودن خلافت امیرالمؤمنین أبوبکر بغدادی آشکار می گردد، خلافتی که هیچ اشکالی در بنایش وجود ندارد، نصوص شرع در مقابل تو، بنگر که؛ خلافت در قریش است و رسول الله صلی الله علیه و سلم نیز خبر داده است که؛ **مردم در أمر خلافت، پیرو قریش هستند**، همانطور که در صحیحین از طریق ابوهریرة رضی الله عنه و در صحیح مسلم از طریق جابر رضی الله عنه، و نیز روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: **{لا یزال هذا الأمر فی قریش ما بقی من الناس اثنان}**؛ پیوسته خلافت در قریش خواهد بود، حتی اگر دو نفر از تمام مردم باقی مانده باشد. {متفق علیه از طریق ابن عمر رضی الله عنه}، و امام ابن حبان رحمه الله نیز در این مورد بابی گذاشته به عنوان؛ (**ذکر الأخبار بأن الذی یلی أمر الناس إلی أن تقوم الساعة یکون من قریش لا من غیرها**)؛ بیان اخباری که دلالت بر عهده دار شدن قریش امر مردم را تا برپایی قیامت.

در بخاری از طریق معاویة رضی الله عنه آمده است که؛ از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمود: **{إن هذا الأمر فی قریش لا یعادیهم أحد إلا کبه الله علی وجهه ما أقاموا الدین}**؛ خلافت در قریش خواهد بود مادامیکه

دین را اقامه می کنند، هر کس که در این مسأله با آنان منازعه و اختلاف کند، الله او را بر روی چهره اش به جهنم خواهد کوبید.

و همچنین بخاری بابی به عنوان **"امراء از قریش هستند"** گذاشته است. و از عبدالله بن أبی الهذیل روایت است که فرمود: دسته ای از قبیله ربیعة نزد عمرو بن العاص رضی الله عنه بودند که شخصی از قبیله بکر بن وائل گفت: یا قریش دست از زعامت و رهبری می کشد، یا هم الله آن را بین **جمهور** و اکثریت عرب می نهد! عمرو بن العاص رضی الله عنه فرمود: دروغ گفتی! از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمود: **{قریش ولاة الناس فی الخیر و الشر إلی یوم القامة}**؛ قریش زمام داران مردم هستند هم در خیر و هم در شر، تا روز **قیامت.** {روایت أحمد و ترمذی، ترمذی آن را صحیح دانسته و بر رویش بابی به عنوان "روایاتی که دلالت بر بودن خلافت بین قریش تا روز قیامت می‌کنند" قرار داده است}، و هم چنین از أبی برزة رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: **{الأمراء من قریش}**؛ امراء از قریش خواهند بود. {روایت احمد با سند جیّد}، این مساله جزو مسائلی است که صحابه روی آن اتفاق نظر دارند، حباب بن المنذر رضی الله عنه هنگامی که گفت: امیری از ما و امیری از شما!، أبوبکر رضی الله عنه گفت: **نه! امراء از ما و وزراء از شما!** قریش در بین عرب از لحاظ زندگی و دار، میانه ترین و از لحاظ حسَب و نسب نیز أصیل ترین می باشند. {روایت بخاری}

ابن حزم رحمه الله می فرماید: ((خلافت صحیح نیست مگر در شخص قریشی که از اولاد فهر بن مالک بوده و نیز برای غیر بالغ جایز نیست حتی اگر قریشی هم باشد، و هم چنین برای هم پیمانان قریش و آزادشدگان قریش و یا کسی که مادرش قریشی است و پدرش از دیگران صحیح نیست))[2]، و می فرماید: ((هر کسی از غیر قریش به امارت و خلافت ادعا کند، نه خلیفه است و نه امام! و نه ولی أمر است و نه هم أمری برای اوست! بلکه هم او و هم کسی که به او کمک نموده است و یا راضی به او شده است؛ فاسق و عاصی و سرپیچی کننده از امر الله است، به خاطر تجاوزشان از امر و حدود الله که از طریق رسول الله صلی الله علیه و سلم بیان شده است))[3].

امام نووی رحمه الله در مورد حدیث **"الناس تبع لقریش"**[4] می فرماید: ((این احادیث و امثالشان دلیل آشکاری است بر اینکه؛ خلافت مختص قریش است و جایز نیست که غیر قریش خلیفه شود، و بر روی این مساله اجماع صحابه و بعد از صحابه منعقد شده است))، و سپس می فرماید: ((قاضی[5] گفته است: شرط بودن قریشی برای خلافت، مذهب تمامی علماء است، ابوبکر و عمر رضی الله عنهما در سقیفه برای قانع کردن انصار به این موضوع استدلال کردند و کسی از صحابه انکار نکرد، قاضی می گوید: علماء این مسأله را از مسائل اجماع ذکر

---

[2]. المحلی 261/17

[3]. المحلی 262/17

[4]. مردم پیرو قریش هستند.

[5]. قاضی عایض رحمه الله.

نموده اند و از کسی از علماء سلف و خلف در هیچ بلدی از بلاد خلاف این نقل نشده است))[6].

امام ابن کثیر رحمه الله می فرماید: ((واجب است خلیفه؛ مرد و آزاد و بالغ و عاقل و مسلمان و عادل و مجتهد و سالم الاعضاء و آگاه بر فنون جنگی و قریشی باشد))[7]، الحمدلله! این شروط همگی در ابوبکر بغدادی وجود دارد، پس کسی که در موردشان توقف نموده و دچار شک شده است، به طرف این خلافت سعی کند و زیر پرچمش وارد شود و گوش به سخنان و تهمت های دشمنان الله و رسولش که به موحدین و مجاهدین که برای برپایی شرع الله برخواسته اند، وارد می کنند، فرا ندهند، تهمت های باطلی همچون: **"خوارج بودن"** و **"منهج اهل بدعت داشتن"** و **"گمراه و اهل غلو بودن"** و **"خون مسلمانان را به ناحق می ریزند"**.

ای برادرم! بشتاب برای ورود به زمین های خلافت و رفتن به زیر پرچم خلافت! بشتاب برای اجتماع زیر پرچم خلافت برای نصرت دین و خشمگین ساختن دشمنان دین و دفاع از خون مسلمانان و جمع نمودن کلمه توحید! توحیدی که چندین سال است برای برپایی اش خون ها و جان ها فدا می شود و گران بها ترین ها بذل می گردند و خون های پاک شهداء به خاطرش ریخته می شود،

6. شرح النووی علی صحیح مسلم.

7. تفسیر القرآن العظیم، تفسیر آیه 30 بقرة، نوشته ابن کثیر رحمه الله.

شکر الله را به جای بیاوریم که؛ امروز خلافت را بعد از آرزوها تبدیل به حقیقت ساخت!

الله جل جلاله می فرماید: {**قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ**}؛ بگو به فضل الله و به رحمت الله خوشحالی کنید، این برای شما بهتر است از آنچه جمع می کنید. {یونس/58}، و نیز می فرماید: {**وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ**}؛ و گفتند؛ سپاس و حمد برای الله باشد کسی که مارا به این هدایت و رهنمون ساخت، اگر الله مارا هدایت نمی نمود ما نمی توانستیم به آن رهنمون شویم. {الأعراف/43}

و در پایان! اهل اسلام و خصوصا مجاهدان را به سوی جمع کلمة و وحدت صفّ و بیعت دادن با خلیفه ابراهیم بن عواد بن ابراهیم البدری القرشی و سمع و طاعت داشتن از او براساس قرآن و سنت دعوت می کنم، الحمدلله الذی بنعمته تتم الصالحات.

ابن حزم رحمه الله چه زیبا می سراید:

رویدا یعد نحو الخلافة نورها ... ویسفر مغبر الوجوه الواهم
وحینئذ تدرون کیف فرارکم ... إذا صدمتکم خیل جیش مصادم
علی سلف العادات منا ومنکم ... لیالي أنتم في عداد الغنائم

خلیفة حق ینصر الدین حکمه ... ولا یتقي في الله لومة لائم

رويدا فوعد الله بالصدق وارد ... بتجريع أهل الكفر طعم العلاقم
سنفتح قسطنطينة وذواتها ... ونجعلهم قوت النسور القشاعم
ونملك أقصى أرضكم وبلادكم ... ونلزمكم ذل الجزى والمغارم
ونفتح أرض الصين والهند عنوة ... بجيش لأرض الترك والخزر حاطم
مواعيد للرحمن فينا صحيحة ... وليست كأمثال العقول السقائم
إلى أن نرى الإسلام قد عم حكمه ... جميع البلاد بالجيوش الصوادم[8]

آرام باش! نور خلافت در حال آماده شدن است، آن هنگام غم از چهره غمگینان و وهم زدگان برداشته می شود، آن هنگام خواهید دانست که کجا فرار کنید! وقتی که زیر اسب های لشگر قدرتمندی قرار بگیرید، بر اساس عادتی بین ما و شما که الان برای غنائم خود خوشحالی می کنید، برای ما خلیفه ی حقی خواهد آمد و حکم دین را نصرت خواهد داد و در این راه از سرزنش هیچ سرزنش گری نخواهد ترسید.
آرام باش! وعده ی الله راست است که؛ کفار روزی تلخ ترین مزه ی شکست را خواهند چشید، و ما قسطنطینیة را فتح خواهیم کرد و لاشه ی شما را جلوی پرنده های شکاری پیر خواهیم انداخت تا از گوشت بدنتان بخورند، دورترین شهرهایتان را فتح کرده و می گشاییم و بر شما ذلت جزیه و مالیات را خواهیم چشاند!
چین و هند و بلاد ترک های چشم بادامی را با خیال آسوده فتح کرده و می گشاییم! وعده های الله متعال برای ما همگی صحیح و صدق و راستند و مثل عقل های مریض دچار خلاف نمی شود!

---

[8]. تاریخ الأدب الأندلسی 1/320-325

تا اینکه ببینی:
حکم اسلام، با سپاه در هم کوبنده اش، همه جا را گرفته و همه بلاد را فتح نموده است.

نوشته/ أبوعبدالله حمد بن عبدالله بن ابراهیم الحمیدی
10/8/1436 من هجرة المصطفی صلی الله علیه و سلم
زندان حائر – ریاض